

اتحاد، اعتصاب کارگری و مجمع عمومی

(به مناسبت اعتصابات پیروزمند کارگران شرکت پرهون طرح نیروگاه سنندج)

سلام زیجی

بنا به گزارش منتشر شده از سوی "انجمن برق و فلز کار کرمانشاه" روز سه شنبه بیست و سوم شهریور هشتاد و نه دهها کارگر شرکت پرهون طرح از پیمانکاران نیروگاه سنندج در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. شایان ذکر است که این چندمین حرکت اعتراضی کارگران شرکت پرهون طرح طی دو هفته اخیر بوده است. کارگران در این اعتصاب توانستند با خنثی کردن ترفند های کارفرما و فشار و همکاری حراست و رئیس کارگاه به بخش اصلی خواست خود دست یابند و الگویی از اتحاد طبقاتی در تاریخ مبارزاتی در جنبش کارگری را بدست دادند و پیروزی خود را ممکن کنند.

این حرکت از چند نظر قابل توجه است. اول: تامین و حفظ اتحاد کارگری از شروع تا پایان اعتصاب. دوم: اعتماد نکردن به قول و قرار و دروغ گویی کارفرما تحت عنوان "پول ندارند و باید از تهران پول قرض کنند" یا اینکه "به هر نفر دوپست هزار تومان مساعده میدهم" و کلا قبول نکردن سر دوانیهای کارفرما همراه با توطئه مشترک نیروهای حراست و رئیس کارگاه برای پرداخت نکردن حقوق معوقه، پذیرفتن بهانه های پوچ و واهی صاحبکار و ایستادن در برابر این نوع رفتار ضد انسانی. سوم: این اعتصاب یکبار دیگر اثبات نمود که کارگر متحد با خواباندن چرخ تولید دولت و کارفرما را در تنگنا قرار خواهد داد.

علیرغم موانع مالی بسیار شدید و فقر کمر شکن که کارگران با آن روبرو هستند، اما هر گاه دست به اعتصاب متحدانه بزنند، میتوانند به نتایج بهتری برسند. اعتصاب کارگری و متحد در محل کار، دولت و کارفرما را بیش از هر شکل دیگر مبارزاتی به وحشت خواهد انداخت و همزمان قدرت طبقاتی و موثر طبقه کارگر را به نمایش خواهد گذاشت.

عملی شدن دهها اعتصاب کارگری در همین ماهها و سالهای اخیر در اقصی نقاط ایران ممکن بودن و ضرورت اعتصاب کارگری را به اثبات رسانده است.

ادامه در صفحه ۲

سیاست کمونیستی
باید به نیروی
اجتماعی تبدیل شود(مصاحبه نشریه اکتبر با
رحمان حسین زاده در مورد
کنگره چهارم حزب)

اکتبر: اوضاع ایران، اختلافات جناحهای بورژوازی، تعرض وسیع به سطح معیشت طبقه کارگر و مردم محروم، فضای جنگی و موج اعدام، اعتراضات وسیع اما پراکنده طبقه کارگر برای دفاع از معیشت خود و.. فضای سیاسی ایران را شکل میدهد. در چنین شرایطی کنگره حزب چه جایگاهی دارد؟

رحمان حسین زاده :
فاکتورهای واقعی که شما به آن اشاره دارید، انعکاسی از تب و

تاب سیاسی یک جامعه زنده است. پشت سر این فعل و انفعالات سیاسی کشمکش طبقاتی و اجتماعی شفافی در جریان است. فاکتورهای مورد اشاره که خیلی وقتها در مقابل همدان اما به عنوان حلقه هایی از زنجیره تحولات سیاسی به هم مربوطند. در یک نگاه ساده کشمکش دو جناح بورژوازی سپاه و سبز برای نجات نظام اسلامی و گرفتن سهم بیشتر از اقتصاد و سیاست در آن جامعه، با هر توجیه و پوشش سیاسی دروغین و موثلفین و متحدین متفاوت و رنگا رنگ، چیزی جز تلاش برای تامین سود آوری سرمایه و حفظ مناسبات و نظامی نیست که منفعت طبقه بورژوا را تضمین کند. و لازمه آن در جامعه ای با مشخصات ایران تعرض وسیع به معیشت طبقه کارگر و تحمیل سرکوب و اعدام است.

ادامه در صفحه ۳

اول مهر، زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

ص ۴

دانشگاه یادگان نیست!

اطلاعیه افشاگرانه بکر عثمان راجع به گزارش
"کمیسیون تحقیق" ترور برادرش سردشت عثمان
در اربیل کردستان عراق!

ص ۸

اعلامیه کمیته
کردستان حزب
حکمتیستدر محکومیت بمب
گذاری شهر مهابادتاکنون در این اقدام
جناپتکارانه ۱۲ نفر
کشته و بیش از ۵۰ نفر
زخمی شده اند.

ص ۲

مغز شویی کودکان
موقوف / جان هری

ترجمه: سیف خدایاری ص ۵

شرمنده از چه؟

(برگرفته از سایت انجمن برق و
فلزکاران کرمانشاه)

ص ۶

گزیده ای از اخبار و رویدادها عمومی در کردستان

ص ۷

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان

ص ۷

اتحاد، اعتصاب کارگری و...

چندین اعتصاب موفق کارگری در کردستان در چند ماه اخیر مانند: خبازان سفز، سد ژاوه در محور کامیاران-سنندج، پارسیان سنندج، سد داریان پاوه و مورد اخیر اعتصاب کارگران شرکت پرهون طرح سنندج و موارد دیگر عملی بودن و ضرورت چنین مبارزه ای را تأیید میکند. تجربه همین اعتصابات کوتاه مدت نشان داده است در هر جایی که کل کارگران آن بخش متحد بوده اند به درجات زیادی موفقیت بدست آورده اند و ترفندهای دولت و کارفرما را با شکست مواجه کرده اند.

اعتصابات کارگری و مجمع عمومی

برگزاری مجمع عمومی به عنوان محل تجمع و تصمیم گیرنده همه کارگران یک کارگاه و کارخانه در تعیین سرنوشت طبقه ما و اظهار وجود آن به عنوان یک طبقه و به عنوان ستون پایه تشکلهای و شوراهای کارگری و انتخاب نمایندگان کارگری یک ضرورت و یک سنت طبقاتی غیر قابل چشم پوشی است. متکی کردن اعتصابات کارگری به مجمع عمومی بسیار حائز اهمیت است. مجمع عمومی کارگران میتواند بهترین و مطمئن ترین مکان تصمیم گیری برای فراخوان یا عدم فراخوان به یک اعتصاب عمومی کارگری باشد. مجمع عمومی ذیصلاحترین مکانی است که میتواند کل طبقه را حول پیدا کردن راه حل مالی در حین اعتصاب نیز بسیج کند، پاسخ مناسب

به این معضل واقعی از مسائل مهم کارگران اعتصابی است. این راه حلها میتواند شامل صندوق مالی اعتصاب، تقاضای کمک مالی از جامعه و محیط پیرامون، تقسیم نیروی اعتصاب کننده، تعیین نمایندگان خود برای مذاکره با دولت و کارفرما، تعیین کمیته یا نهاد رهبری اعتصاب، بررسی جوانب "قانونی" حرکت و پیدا کردن راه دفاع "قانونی"، پیدا کردن راه مقابله با پلیس، در دستور قرار دادن طرح جلب حمایت بخش های دیگر کارگری و دیگر اقدامات لازم. مجمع عمومی در حقیقت باید در موردهمه این موارد برای شروع یک اعتصاب تصمیم بگیرد و کل کارگران را حول آن سازمان دهد و متحد و متعهد کند. بنظر من برگزاری منظم مجمع عمومی کارگران و اتخاذ تصمیم مشترک در مجمع عمومی برای فراخوان اعتصاب و حل مشکل مالی اعتصاب از حلقه های کلیدی یک اعتصاب موفق است.

سازمان دادن اعتصابات کارگری و متناسب با توان کارگران و تشخیص تناسب قوای موجود یکی از ارکان مهم مبارزه طبقه ما میباشد. متکی کردن این اعتصابات به تصمیمات مجمع عمومی کارگران نه تنها در موفقیت بیشتر مبارزه امروز طبقه کارگر مثرتر خواهد شد، بلکه زمینه های رشد مبارزه و اتحاد کارگران بطور یکپارچه قرار خواهیم داد. از یکسو مانع زیر ضرب رفتن فعالین شناخته شده خواهیم شد و از سوی دیگر اتحاد و خواست مشترک همه را در مقابل بورژوازی قرار خواهیم داد، که در چنین موقعیتی پس زدن و تعرض به کارگران و اعتصاب کنندگان را دشوارتر و غیر ممکن تر خواهیم کرد. تجربه

30 شهریور 89
S_zijji@yahoo.se

این عملیات تروریستی کور و ضد انسانی کودکان و زنان بوده اند. این عمل جنایتکارانه با نفرت و انزجار مردم روبرو شده و از جانب احزاب و جریانات اپوزیسیون در کردستان هم محکوم شده است.

در رابطه با این حرکت تروریستی ضد انسانی تا این لحظه انگشت اتهام اساسا متوجه دارو دسته های مسلح جمهوری اسلامی و عوامل تروریست آن است. انفجار در محلی اتفاق افتاده که به دلیل "برپایی مراسم سالگرد جنگ ایران و عراق" و انجام رژه نظامی نیروهای مسلح خود جمهوری، تحت کنترل جنایتکاران مسلح جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی برای اعمال سرکوبگری و ارباب جامعه همواره به

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در محکومیت بمب گذاری شهر مهاباد

* تاکنون در این اقدام جنایتکارانه ۱۲ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شده اند.

بنا به خبری که در رسانه های مختلف منتشر شده است، ساعت ده و نیم قبل از ظهر امروز در فلکه منتهی به خیابان منگوران شهر مهاباد و در جریان رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی انفجار شدیدی اتفاق افتاد. طبق اخبار تاکنونی در جریان این اقدام جنایتکارانه ۱۲ نفر جان خود را از دست داده و بیش از ۵۰ نفر زخمی شده اند. بیشتر کشته شدگان

ادامه در صفحه ۳



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

سیاست کمونیستی باید به ...

در عکس العمل به این پدیده زشت و تلخ و ضد انسانی، دفاع جانانه طبقه کارگر از سطح زندگی و معیشت و موجودیت خود مبنای مبارزه گناه نهمان و گناه آشکار مستمری است که طبقه کارگر در همین سه دهه علیه مناسبات استثمارگرانه، علیه زندگی زیر خط فقر، علیه نابرابری و تبعیض و ستم و علیه سرکوب و سلب آزادیهای سیاسی در مقابل یکی از هارترین دولتهای بورژوایی از خود نشان داده است. حال صورت مسئله اینست، این مبارزات مستمر طبقه کارگر چرا و بعد از سه دهه از مقاومت و مبارزه متنوع تناسب قوا را به نفع طبقه کارگر تغییر نداده است؟ چرا هنوز تحریک بخشهای مختلف بورژوایی، همانطور که متاسفانه در یکسال و نیم اخیر و در جریان جنبش سبز دیدیم، به بستر تحریک بخش مهمی از اعتراض توده کارگر و مردم حق طلب تبدیل میشود؟ پس درس مهم مقطع انقلاب ۵۷ که طبقه کارگر و صف آزادیخواهی یکبار برای همیشه دیگر نباید به نیروی ذخیره جناحهای بورژوایی تبدیل شوند، چی شد؟ راه پایان دادن به فعال مایشائی لایه های مختلف بورژوازی در صحنه جدال اجتماعی و سیاسی در گرو چیست؟ و مهمتر ملزومات عروج آلترناتیو کمونیستی کارگری ساقط کننده بورژوازی و جمهوری اسلامی کدام است؟

کنگره چهارم در این مقطع خاص از تحولات سیاسی ایران و چشم در چشم این مسائل تعیین کننده تشکیل میشود. به نظر من کنگره در مقابل این انتخاب است یا به مثابه پرچمدار متحزب نیروی فعاله تغییر به این روندها و گر هگاهها جواب روشن کمونیستی و طبقاتی بدهد، یا به مثابه چپ کم توقع سنتی از خود متشکر غرق در مراسم سازمانی، "کنگره روتین" خود بشود. مباحثات و قطعنامه ها و جدلهای سیاسی که در هشت شماره اخیر نشریه کنگره رو به جامعه اعلام کردیم و از میان آنها تعدادی به خط مشی سیاسی و کمونیستی کنگره و حزب تبدیل میشوند، گواه اینست ما راه اول را انتخاب کرده ایم. نیاز زمانه را تشخیص دادیم به اعتقاد من این کنگره میتواند نقطه عطف مهمی از حرکت بالنده کمونیسم طبقه کارگر ایران باشد.

اکتبر: یک سال و نیم از جنبش سبز و تحریکات زیر پرچم این جنبش گذشته است. حزب حکمتیست تنها حزب سیاسی است که تا کنون خطی متمایز و خلاف کل فضای اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نمایندگی کرده است. با این وصف بخش زیادی از قطعنامه های ارسالی نمایندگان برای کنگره بحث از غیبت کمونیسم به عنوان یک قطب قدرتمند اجتماعی است که توانسته باشد صف متمایزی را سازمان دهد. این یعنی چه و نقش کنگره چهارم در رفع این معضل و نقش رهبری آتی حزب چه میتواند باشد؟

رحمان حسین زاده: اگر چه در قطعنامه های پیشنهادی هم به روشنی بیان شده، بگذار تاکید کنم که بحث از "غیبت کمونیسم" به طور کلی نیست. چون به اعتقاد ما کمونیسم و گرایش کمونیستی در درون طبقه کارگر ایران یک جریان زنده و حی و حاضر و آکتیو است. به علاوه از نظر من حتی نمیتواند صحبت از غیبت "پرچم سیاسی کمونیستی" مطرح باشد. به یمن آن تحریک مارکسیستی که منصور حکمت پرچمدار آن بود و امروز حزب حکمتیست تداوم بخش آن است، پرچم سیاسی کمونیستی در صحنه سیاست ایران موجود است. افق و صف سیاسی کمونیستی متمایزی که در یک سال و نیم گذشته و در تقابل با جنبشهای سبز و سیاه بورژوایی، حزب حکمتیست را از کل کمونیسم و سوسیالیسم بورژوایی ایران متمایز کرد، شاهد این مدعا است. اما نقطه عزیمت ما و قطعنامه های پیشنهادی بی تابی و تعجیلی است که پرچم سیاسی کمونیستی موجود باید در جنبش طبقه کارگر و در جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی به نیروی اجتماعی و مادی تبدیل شود. ما با چشمان باز خلاء صف کمونیستی کارگری اجتماعی، قدرتمند، متشکل و سازمانیافته را در جدال روزمره طبقه کارگر در دفاع از معیشت و مطالبات فوریش و در جدلهای سیاسی تعیین کننده با بورژوازی می بینیم. واقعیت اینست بخشهای مختلف گرایش کمونیستی ما پراکنده است. این را باید رهبران کمونیست کارگران و محافل کمونیستی کارگری در کارخانه و فابریک و محله کارگری تا محافل کمونیستی در دانشگاه و در میان جوانان و جنبش برابری طلبانه زنان و تا ما به عنوان بخش متشکل حزبی گرایش کمونیستی در داخل و خارج دریابیم. هر چند هر بخش در محدوده محل کار و زیست خود درگیر

مبارزه و فعالیتها با ارزشی هستیم، اما صف آرایی وسیعتر دشمنان طبقاتی، صف بندی محکمتر و اتحاد و همگرایی وسیعتر را از ما میطلبد. تمام تجارب تاریخی و سیاسی کمونیسم دخالتگر به ما میگوید، تحزب کمونیستی محور ایجاد چنین اتحاد و تشکل بخشهای مختلف جنبش کارگری و کمونیستی ما است. در این مقطع از تاریخ سیاسی ایران حزب حکمتیست جواب این مسئله است. این حزب میتواند و باید نیروی فعاله ایجاد چنین اتحاد و تشکل و صف بندی طبقاتی و جنبشی وسیع باشد. کنگره چهارم این حزب و سیاستهای مصوب و رهبری منتخب آن اگر نقشی برای خود قائل است باید بتواند در این راستا این حزب را قابل انتخاب و قابل دسترس رهبران و فعالین کمونیست کارگران و همه کمونیستهای عرصه های اجتماعی بکند.

همزمان انتظار اینست رهبران کمونیست کارگران و فعالین کمونیست این حزب را انتخاب کنند، پرچم سیاسی آن را بدست بگیرند، تا دست در دست هم به صف متمایز کمونیستی و کارگری اجتماعی مورد نظر شکل دهیم و با اتکا به آن شکاف در حاکمیت سرمایه، جدال در صفوف بورژوازی را به میدانی برای تعرض و پیشروی تعیین کننده و بهبود وضع کار و زندگی و تغییر تناسب قوا به نفع جنبشمان، جنبش طبقه کارگر و صف آزادیخواهی تبدیل کنیم. #

در محکومیت بمب گذاری ...

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست این عمل جنایتکارانه را بشدت محکوم میکند. با خانواده و بستگان کشته شدگان و زخمیهای این جنایت بزرگ اعلام همدردی و همبستگی میکند. از همکاری و یاری مردم شهرمهاباد و حومه با خانواده و نزدیکان صدمه دیدگان این واقعه قدردانی میکند و مردم را به ادامه چنین همبستگی و همکاری فرا میخواند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

بیست و دوم سپتامبر ۲۰۱۰

اول مهر، زنده باد آزادی، زنده باد برابری! دانشگاه پادگان نیست!

اول مهر فرا میرسد و میلیونها دانش آموز و دانشجو خود را برای دوره جدید تحصیلات و همزمان برای دور جدید از مقابله و جدال در مراکز تحصیلی آماده میکنند. دانشگاهها همیشه مرکز کشمکش نسل جوان معترض و آزادیخواه با جمهوری اسلامی در دفاع از آزادیهای سیاسی، علیه اختناق، سرکوب، تحقیر و فضای پلیسی و اخراج و دستگیری بوده است.

دانشجویان و نسل جوان در سه دهه گذشته دورانهای مختلفی را پشت سر گذاشته و خونین ترین جدال دولت ایران با هر نوع آزادیخواهی و فضای باز سیاسی را تجربه کرده اند. در این سه دهه به کرات حمله به دانشگاه و قلع و قمع همه مخالفین و در راس آن نسل جوان معترض و آزادیخواه را به خود دیده اند.

در این سه دهه دهها هزار دانشجو طعم اعدام و زندان و شکنجه و احضار و اخراج و ... را در زمامداری انواع دولتهای مختلف جمهوری اسلامی، چشیده اند و به جرم مخالفت با ارتجاع حاکم، به

جرم دفاع از آزادیهای سیاسی و .. سرکوب شده اند. جمهوری اسلامی با علم به این حقیقت که دانشگاه انعکاس طپش جامعه است، تلاش کرده است با تبدیل آن به گورستان، کل فضای جامعه را مختنق نگاه دارد.

با این وجود طی چند سال گذشته، شاهد جدال وسیعی در دانشگاههای ایران بودیم. نسل جوان کمونیست و برابری طلب به عنوان پرچمدار آزادیخواهی قد علم کرد، فضای دانشگاهها را در دست گرفت، جریانات ارتجاعی از انجمنهای اسلامی و تحکیم وحدت، تا گرایشهای ناسیونالیستی و لیبرالی را حاشیه ای کردند، و بر فراز دانشگاههای ایران پرچم آزادی و برابری را به اهتزاز در آوردند. این تحرک انسانی که تا اعماق جامعه اثر کرد، و توجه طبقه کارگر

ایران و زنان و جوانان آزادیخواه را به خود جلب کرد، در دل کشمکشی خونین سرکوب شد. صدها نفر از فعالین و رهبران این تحرک روانه زندان شدند و دور دیگری از پاکسازی کمونیستها در دانشگاه شروع شد. سیری که همچنان ادامه دارد. با سرکوب این تحرک، فضای دانشگاهها بر همه حتی

بر دمکراتهای نیم بند و لیبرالها و تحکیم وحدتی ها و .. هم تنگ شد. در آن جدال و در تلاش خونین رژیم علیه جنبش آزادیخواهانه و در راس آن دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، علاوه بر جمهوری اسلامی و مراکز جاسوسی و پلیسی آنها، علاوه بر آدم ربایان حرفه ای و شکنجه گران آنها، طیفی از لیبرالها و اصلاح طلبان و دمکراسی طلبان و نئوتوده ایها نیز در پس زدن عدالتخواهی نسل تحصیل کرده طبقه کارگر، با استدلالهای مختلف، سهم ادا کردند. این اتفاقات به روشنی سیمای دوستان دروغین مردم را نیز بیش از هر زمانی عیان کرد.

از آن دوران دو سال میگذرد، در این مدت جنبش سبز بر بستر سرکوب جنبش برابری طلبانه در دانشگاه، بر متن تعرض به صف طبقه کارگر و جنبش زنان و همه جنبشهای مترقی، و در حمایت اغلب نیروها و جریانات بورژوائی از راست ترین تا چپ ترین آنها، پا به میدان گذاشت. سبز در دانشگاه

بر شانه های همه آن احزاب و انجمنها و محافل و گروههایی که به شکست دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب امید بسته بودند، در یک دوره امکان میداناری پیدا کرد.

بر شانه های همه آن احزاب و انجمنها و محافل و گروههایی که به شکست دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب امید بسته بودند، در یک دوره امکان میداناری پیدا کرد.

با گذشت این مدت و با کنار رفتن پرده ابهام و دودی که بر فضای جامعه حاکم کرده بودند، اکنون بار دیگر حقانیت ادعای کمونیستها و کیفرخواست شما جوانان آزادیخواه و برابری طلب، علیه کل بورژوازی، سبز و سیاه آن، عیان تر از هر زمانی است. اکنون میتوان بار دیگر این ادعای کمونیستها را با سری برافراشته و صدایی رسا اعلام کرد که نه تنها برابری انسان، که آزادی های سیاسی و حقوق زنان و خلاصی فرهنگی، تنها کار طبقه کارگر آگاه و کمونیستها است.

دانشجویان، دانش آموزان، جوانان کمونیست و آزادیخواه!

امروز بیش از هر زمان حقانیت تلاش چند ساله گذشته شما در ایجاد صفی انسانی در دفاع از آزادی و برابری عیان است. مبارزات آزادیخواهانه شما با شعار "آزادی - برابری" و "دانشگاه پادگان نیست" و تلاش شما برای سازمان دادن جنبشی مستقل از جریانات دولتی و ارتجاعی به نسل جوانی که به دانشگاهها روان است، راه نشان داده است و چراغی

است.

امروز بیش از هر زمان حقانیت تلاش چند ساله گذشته شما در ایجاد صفی انسانی در دفاع از آزادی و برابری عیان است. مبارزات آزادیخواهانه شما با شعار "آزادی - برابری" و "دانشگاه پادگان نیست" و تلاش شما برای سازمان دادن جنبشی مستقل از جریانات دولتی و ارتجاعی به نسل جوانی که به دانشگاهها روان است، راه نشان داده است و چراغی

است.

امروز بیش از هر زمان حقانیت تلاش چند ساله گذشته شما در ایجاد صفی انسانی در دفاع از آزادی و برابری عیان است. مبارزات آزادیخواهانه شما با شعار "آزادی - برابری" و "دانشگاه پادگان نیست" و تلاش شما برای سازمان دادن جنبشی مستقل از جریانات دولتی و ارتجاعی به نسل جوانی که به دانشگاهها روان است، راه نشان داده است و چراغی

است.

امروز بیش از هر زمان حقانیت تلاش چند ساله گذشته شما در ایجاد صفی انسانی در دفاع از آزادی و برابری عیان است. مبارزات آزادیخواهانه شما با شعار "آزادی - برابری" و "دانشگاه پادگان نیست" و تلاش شما برای سازمان دادن جنبشی مستقل از جریانات دولتی و ارتجاعی به نسل جوانی که به دانشگاهها روان است، راه نشان داده است و چراغی

است.

فعالین کمونیست در دانشگاه پرچمدار دفاع از عدالت و آزادی و شان و احترام انسانند. جمع کردن نیرو، متحد کردن نسل جوان در دانشگاه و در دفاع از این خواستها، به کارگیری تجارب تا کنونی و به کار بستن آن در شرایطی جدید، کار کمونیستها در دانشگاه و مراکز آموزشی است. این کار فعالینی است که با چشما باز کل این دوره را میبینند. میدانند که آزادیخواهی در دانشگاه و در کل جامعه ایران در قلوب میلیونها انسان نفوذ کرده است. تبدیل این تمایل و خواست قلبی عمومی به نیروی فعاله در نبرد طبقاتی که در پیش داریم، کار کمونیسم طبقه کارگر، کار بخش متحزب آن است. این صف و نیرو را در دانشگاهها و مراکز تحصیلی بار دیگر باید سازمان داد.

این کار آگاهترین، دلسوزترین، خوشنامترین و با نفوذترین فعالین رادیکال و برابری طلب در دانشگاهها است.

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۵ شهریور ۱۳۸۹ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۰

مغز شویبی کودکان موقوف / جان هری

ترجمه: سیف خدایاری

پرستش خدا بر 99 درصد کودکان اعمال می شود، بدون اینکه نظر آنها پرسیده شود.

بباید همه دستهایمان را بلند کنیم و دعا کنیم: خدایا! ما اینجا جمع شده ایم و از تو می خواهیم دانش آموزان ما را از رفتن اجباری هر روزه به این بازی بی معنی نجات دهید. خدایا شما می دانید، چون همه چیز را می بینید! که قوانین بریتانیا از هر دانش آموزی می خواهد در هر شبانه روز "در یک عمل دسته جمعی پرستش" شرکت کند. بدون توجه به اینکه کودکان چگونه می اندیشند و به چه چیزی باور دارند، آنها را روزه وار در یک سالن جمع می کنند؛ وادار به سکوتشان می کنند؛ بالاچار به نمازشان می بندند یا اینکه آنها را وادار به تظاهر و ریاکاری می کنند. اگر از خم شدن در برابر تو امتناع کنند، تنبیه می شوند. همین اتفاق برای من روی داده است، من در مقابل تو ایستادم چون هیچ دلیلی وجود ندارد که تو وجود داری. مقادیر زیادی از اسنادی که در کتابها وجود دارد شما را با مغالطه های زیاد توصیف کرده اند. وقتی به این چیزها اشاره کردم به من گفته شد که دست از این "کفر گویی" ها بردارم و مرا تهدید به زندان کردند. در یک مورد معلمی به من گفت "خفه شو و نماز بخوان" خدایا، آیا تو به چنین چیزی افتخار می کنی؟

وادار کردن کودکان به شرکت هر روزه در عبادات مذهبی قانونی است که شایسته یک نظام دینی است نه یک لیبرال دمکراسی که هفتاد درصد از بزرگسالان آن هیچوقت در اعمال مذهبی شرکت نمی کنند. به همین دلیل اخیراً مؤسسه معلمین و سخنرانان که یکی از شاخه های اتحادیه های معلمان بریتانیا است، از دولت تقاضا کرده است که از اعمال زور به اعضایش برای شرکت در چنین مناسکی دست بکشد. چرا در این کشور بغایت بی دین اینهمه سماجت برای این خروس بی محل وجود دارد؟ علیرغم همه ی جس ناله هایی که اقلیت مذهبی در بریتانیا در باره "تحت آزار بودن" سر می دهند، آنها در واقع بطور شگفت انگیزی دارای امتیازات خاص اند. آنها موقعیت های فراوان و فراقانونی در اختیار دارند؛ از هر انتقادی مصون هستند و بودجه عمومی هنگفتی برای بار آوردن کودکان با سیستم فکری خود در تمام مدارس و در هر نقطه از کشور را در اختیار دارند. درک اینکه چرا مؤسسات مذهبی مشکوک اینچنین محکم به این قانون چنگ انداخته اند آسان است. تا جایی که به دین بر می گردد، اگر کودکان را در همان کودکی شکار نکنند، احتمالاً آنها را برای

همیشه از دست داده اند.

بندرت افراد بزرگسال در بزرگسالی قانع می شوند که مسیح از یک باکره دنیا آمده است و قوانین فیزیکی را زیر پا نهاده است. یا اینکه ما باید به مردی که در 53 سالگی با دختری 9 ساله سکس داشته است احترام بگذاریم. شما می توانید افراد را در کودکی - زمانی که هنوز قوه استدلال انتقادی و منطقی آنها رشد نکرده است، را به پذیرش چنین باورهایی وادار کنید و این امید وجود دارد که این باورها دریافت روانی کودکان فسیل شود تا هیچوقت جرأت بیرون کشیدن آن را نداشته باشند. اما چرا ما به این اقلیت 5 درصدی پرمطمراق اجازه می دهیم کودکانمان را وادار به پیروی از خرافاتشان بنمایند؟ البته والدین مجازند بچه هایشان را از مدرسه بیرون بکشند. اما چنین کاری اغلب به معنی جدا کردن کودکان از گروه همسالان به طرز ناخوشایند و موردبیماران انتقاد قرار گرفتن از جانب مدرسه است.

بنابراین فقط 1 درصد افراد چنین کاری می کنند. بسیاری حتی نمی دانند که چنین انتخابی وجود دارد. مهمتر از این، چرا عمل پرستش بر 99 درصد کودکان بدون رضایت آنها و حتی بدون این پرسش که آنها چگونه فکر می کنند اعمال می شود؟ همانگونه که ریچارد داوکینز بارها اشاره کرده است، هیچ "بچه مسیحی" یا "بچه مسلمانی" وجود ندارد. به من برجسب مسیحی داده اند چون مادرم به طرز مبهمی فرهنگ مسیحی دارد، هر چند در هر فرصتی علیه آن شوریده ام و به هیچ شکلی از مسیحیت باور ندارم. کودکان آنگونه که رنگ پوست یا قد یا رنگ چشم مخصوص دارند، با چنین باورهایی به دنیا نیامده اند. در واقع اگر بچه هایی را نگاه کرده باشید که به آنها آموزش دینی داده می شود، متوجه می شوید که بیشتر آنها بطور غریزی می خندند و سوالات کاملاً شکاکانه ای می پرسند که بشدت رد می شوند یا با "راهنمایی های دینی" تنبیه می شوند. صادقانه بگویم تا جاییکه می دانم هیچ فرد مذهبی میانه روی را ندیده ام که به کمپین متوقف کردن این پرستش اجباری پیوسته باشد. باید از آنها پرسید با علم به اینکه کودکان به پرستش اجباری خدایان وادار شده اند، چه لذت یا افتخاری به شما دست می دهد؟ چرا ساکتید؟ دین - اجباران برای دفاع از خود چند دلیل می آورند. اول ادعا می کنند که چنین کاری القای "ارزشهای اخلاقی" به کودکان است. گریگوری س. پاول دانشمند در سال 2005 یک بررسی موردی انجام داده است تا ببیند آیا میزان قتل و جنایت با پایین آمدن سطح دین بالا می رود. او دقیقاً با نتیجه ای معکوس مواجه شد. با مقایسه های دقیق در سطح بین المللی متوجه شد که هر چه کشوری مذهبی تر باشد، احتمال مورد تجاوز قرار گرفتن یا شکنجه شدن افراد بیشتر است. الزاماً رابطه علی بین دین و اخلاق وجود ندارد در نتیجه

حفره ای عمیق در این ادعا (تحکیم ارزشهای اخلاقی م) وجود دارد.

البته اگر انسان واقعاً از اخلاقیات برگرفته از انجیل، تورات و قرآن پیروی کند، باید "زناکاران"، افراد گی ومرتدان را بکشد و کودکان غیر مطیع را زندانی کند. خوشبختانه مدتهاست که اکثریت عظیمی از دین باوران تصمیم گرفته اند بسیاری از دستورات خدا را نادیده بگیرند، چون این دستورات به طور آشکاری وحشتناک اند. آنها متون دینی را مجازاً می خوانند. هر چند افراد پیش از آنکه چند درس بی مزه درباره خوب بودن از این متون آموخته باشند، از درسهای ترسناک لبریز شده اند. آیا ما نمی توانیم درسهای خوب بودن را از جاهایی دیگر، جایی بیرون از ماورا الطبیعه ساختگی و عاری از دستورات بی پایان برای کشتن دوستانمان بیاموزیم؟ هر جا که داعیه دفاع از اخلاق نقش بر آب شد، آنان دکمه را عوض کرده وادعا می کنند بچه هایی که با آموزشهای دینی بار می آیند از نظر تحصیلی پیشرفت بیشتری می کنند و به این حقیقت استناد می کنند که مدارس مذهبی تا اندازه ای در برنامه تحصیلی بهتر عمل می کنند. این ادعایی درست است اما بباید اندکی دقت کنیم.

در این زمینه دو مطالعه موردی توسط گروه کارشناسان مؤسسه محافظه کار سیویتاس و هیأت ولز صورت گرفته است. آنها دریافتند که تنها به یک دلیل ساده مدارس مذهبی عملکرد بهتری دارند آنها گلچینی از دانش آموزان ثروتمند و دارای انگیزه عالی را انتخاب می کنند و دانش آموزان مشکل دار، فقیر و کم انگیزه ای که به فعالیت بیشتری نیاز دارند را از مدارس خود جاروب می کنند.

اگر بحث عملکرد "بهتر" هم به میان آید مدارس مذهبی در واقع از نظر علمی 5 درصد پایین تر از سایر مدارس قرار می گیرند. (و این صرفنظر از تمام فاکتورها و مشکلات دیگری است که ایجاد می کنند.) من مطلقاً نمی گویم که مدارس باید به کودکان یاد دهند که اکتیست باشند. مدارس باید کاری به دین نداشته باشند. باید از این لحاظ خنثی باشند و کودکان را با مهارتهای فکر کردن، دلیل مندی و آگاه به تحلیل منطقی تجهیز کنند. باید به کودکان امکان داد خارج از دروازه های مدرسه انطور که دلشان می خواهد تصمیم بگیرند. یک فرد مذهبی چطور می تواند با چنین چیزی موافقت کند در حالیکه می دانند افراد بزرگسال دلیل مند و هوشیار ادعاهای آنها را در عرض یک ثانیه خوب تشخیص می دهد. بنابراین خدایا از تو و از دولت بریتانیا می خواهم که کودکان ما را از به پرستش اجباری تو رها کنید. آمین!

شرمنده از چه؟

مدتی پیش کربوبی به دیدن خانواده منصور اسانلو رئیس زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه رفته و نارضایتی خودش را از برخوردهائی که در زندان با منصور اسانلو می شود اعلام کرده و ابراز شرمندگی نموده بود! کربوبی از زندانی شدن اسانلو به جرم دفاع از منافع خود به عنوان یک کارگر و دیگر هم کارانش شکایتی نداشت، نگفت که کارگر دارای حق زندگی است و اگر حقوق اولیه او را به رسمیت نشناختند حق دارد اعتراض کند و اعتراض و اعتصاب جزء حقوق پایه ای اوست.

اصل قضیه آن است که اسانلو و دیگر معترضان نباید اصلاً بازداشت و زندانی می شدند. و شرمندگی باید به خاطر این باشد که کسی مثل اسانلو را چهار سال است که از حق زندگی در جامعه و در کنار خانواده اش محروم کرده اند. ایشان می خواهد از کارگران ایران و بخصوص از خانواده اسانلو بخواهد آنچه که در زمان اصلاحات و بر مسند قدرت بودن خود، بر آنان گذشت را فراموش کنند، نه تنها نمی خواهد گذشته ای که ایشان رئیس مجلس بودند و ده ها، صدها و هزاران کارگر مورد ضرب و شتم، بی حرمتی، بازداشت و کشتار قرار گرفتند را به یاد آورند، بلکه حتی امروز هم اشکالی در زندانی کردن کارگران معترض نمی بیند! صدها اعتصاب و اعتراض کارگری به شدت سرکوب شدند، چندین کارگر از جمله چهار کارگر مس سرچشمه کرمان به خاک و خون کشیده شدند، هزاران کارگر بازداشت شدند و جالب تر از همه یکی از هزاران کارگری که در آن دوران بازداشت شد و زبانش را بریدند و مدت هفت ماه زندانی شد، منصور اسانلو بود. در دوران دولت اصلاحات بود که به جلسه هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد حمله شد و اعضاء آن را بازداشت کردند. کربوبی نسبت به هر آنچه که آن دوران بر سر کارگران آمده، احساس شرمندگی نمی کند. گویا سال 84 کودک شش، هفت ساله کارگر معترض اتوبوسرانی حقیق بود ساعت 4 صبح که عمیقاً در خواب بود را با رعب و وحشت از رختخواب بیدار کنند و گرو بگیرند تا پدرش خود را به ارگانهای قضائی و انتظامی معرفی کند! آیا کربوبی به خاطر آن همه سرکوب و اذیت و آزار کارگران در زمان ریاست مجلسش، معذب است؟! معلوم است که نیست. چون حقوقی برای کارگر و خانواده اش قائل نیست، اگر غیر از این بود حتماً امروز نسبت به، در زندان بودن اسانلو احساس شرمندگی می کرد نه به خاطر اعمالی که توسط زندانبان بر او روا می شود! لب کلام کربوبی همان است که همیشه در هر دوره ای

به صراحت اعلام شده، که کارگر حق اعتراض ندارد و در صورت هر تخلفی از قانون (هر اعتراضی به تحمیل بی حقوقی) باید سرکوب و مجازات شود، اما می خواهد بگوید که در زمان ایشان عروسش را مورد اذیت و آزار قرار نداده اند و بود، و در مقابل رقیب این را پونی به حساب خود می گذارد. دیدار با خانواده کسی مثل اسانلو و مظلوم نمائی کربوبی هیچ درجه ای از درد و رنج ناشی از اعمال بی حقوقیها و سرکوبیهای که طی سی سال بر کارگران در ایران اعمال شده را نمی داند و تسلی نمی دهد. میلیونها کارگر، کار خود را از دست داده و بدون هیچ پناهی، ناتوان از تأمین معاش بخور و نمیری، هر روز بارها آرزوی مرگ می کنند. صدها انسان از شدت فقر و بیکاری دست به خودکشی زدند، هزاران نفر دچار اعتیاد شده، هزاران کودک به کودکان کار اضافه شده و هر روز تعداد بیشتری در بند باندهای سیاه مورد سواستفاده قرار می گیرند و ده ها بلای دیگر که همه ریشه در فقر و بیکاری دارند. کارگران در ایران به این سیه روزیها معترض بوده اند، که امروز در بیان کربوبی پنهان است. اگر بلای فقر و تنگدستی و اخراج یعنی گرسنگی مطلق گریبان میلیونها کارگر را نمی گرفت و شأن انسانیشان لگدمال نمی شد، شاید هیچ کسی معترض نمی شد و مانند اسانلو زندان و شکنجه و تحقیر را تجربه نمی کرد. آثار روحی و روانی و جسمی ناشی از شرایط غیر انسانی ای که بر طبقه کارگر ایران سایه افکنده، چنان ضربه ای وارد آورده که تا سالها حتی با وجود برخورداری از امکان یک زندگی متوسط، از آن خلاصی نخواهند یافت. این میلیونها انسان کارگر، به جرم مقابله با فقر و نداری و تلاش برای ممانعت از گرفتار شدن فرزندانشان در دام ده ها و صدها بلای در کمین نشسته، هر روز سرکوب شده اند و جواب اعتراضات و خواسته هایشان را با باتوم و گلوله گرفته اند و هزاران نفرشان بازداشت و شکنجه و زندانی شده اند. طبقه کارگر مصلحت خود دارد و تنها به آن می اندیشد و برایش مبارزه می کند. این طبقه که اکثریت مطلق از هر جامعه است منافع خود را بر منافع هر بخش، جناح و طبقه ای دیگر ترجیح می دهد و اگر بخواهد هر حرکتی کند، منافع خود را محور آن قرار می دهد، نه منافع دیگران. نیازی ندارد به خاطر دفاع از منافع خودش اول به دیگری در رسیدن به امیالش کمک کند تا بواسطه آن حقوق خود را کسب کند.

26/5/1389

(برگرفته از سایت انجمن برق و فلزکاران کرمانشاه)

۱- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست یک سازمان انقلابی مارکسیستی است که برای متشکل کردن و هدایت طبقه کارگر برای تحقق انقلاب کمونیستی تشکیل شده است. اهداف حزب کمونیست کارگری-حکمتیست در برنامه این حزب بیان شده است.

۲- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ظرفی برای اتحاد و فعالیت کارگران کمونیست و همه مبارزین راه انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است. عضویت در حزب کمونیست کارگری - حکمتیست امری داوطلبانه است. هرکس که خود را کمونیست و در اهداف اجتماعی حزب شریک بداند و آماده باشد برای تحقق این اهداف در چهارچوب حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به فعالیت متشکل بپردازد، میتواند به عضویت حزب درآید. کناره گیری و خروج از حزب نیز امری آزاد و داوطلبانه است.

۳- عضویت در حزب هیچیک از حقوق و آزادیهای فردی و مدنی اعضاء را محدود و مشروط نمیکند. به همین ترتیب، عضویت در حزب تحت هیچ شرایطی مایه هیچ نوع برتری و امتیازی نسبت به سایر مردم نیست.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست طبقه کارگر و همه کسانی را که خود را در آرمانها و اهداف حزب شریک میدانند به پیوستن به صفوف خویش فرا میخواند.

از:

اصول سازمانی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان

تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

گزیده ای از اخبار و رویدادها عمومی در کردستان

تهیه و تنظیم: سالار کرداری

اعتصاب مجدد کارگران شرکت پرهون طرح سنندج

به گزارش انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، روز سه شنبه 23 شهریور ماه 70 نفر از کارگران شرکت "پرهون طرح" سنندج از پیمانکاران نیروگاه سیکلی سنندج در ادامه اعتصابات هفته گذشته، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه سه ماه خود مجدداً دست از کار کشیدند و موفق شدند بخشی از مطالبات خود را دریافت کنند. متن کامل خبر در پایین این ستون آمده است.

اجرای حکم زندان اسعد مولودزاده

به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، روز دوشنبه 22 شهریور ماه 1369 "اسعد مولودزاده" عضو این تشکل بازداشت و جهت اجرای حکم تحمیل شده، روانه "زندان دریای ارومیه گردید. در حال حاضر در بند 12 زندان دریای ارومیه بسر می برد.

ایشان در تاریخ 24 خردادماه 89 به اتهام فعالیت تبلیغی علیه رژیم از طریق عضویت در کمیته دفاع از حقوق کارگران به 5 ماه زندان تعزیری محکوم شده بود.

اعتصاب کارگران شرکت پارسین

روز سه شنبه 16 شهریور ماه 40 نفر از کارگران شرکت "پارسین" از پیمانکاران نیروگاه سنندج در اعتراض عدم پرداخت دستمزدهای معوقه 5 ماهه دست به اعتصاب زدند. بر اساس گزارش رسیده از سنندج، کارفرما به کارگران پیشنهاد کرده که به هر نفر مبلغ 20 هزار تومان علی الحساب پرداخت می کند ولی آنان نپذیرفتند و اعلام کردند چنانچه مطالبات شان پرداخت نشود مجدداً اعتصاب خواهند کرد.

کارگران شرکت پرهون طرح برای چندمین بار

طی دو هفته دست به اعتصاب زدند

به گزارش رسیده به انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، امروز سه شنبه 23/6/89 70 نفر از کارگران شرکت پرهون طرح از پیمانکاران نیروگاه سنندج در ادامه اعتصابات هفته گذشته نسبت به پرداخت نکردن حقوقهای معوقه از جانب کارفرما، از اولین ساعت شروع به کار دست به اعتصاب زدند. حدود ساعت 9 صبح صالحی رئیس کارگاه شرکت پرهون طرح به همراه سرپرست اجرایی شرکت مینا (کارفرمای شرکت پرهون طرح) و حراست به محل اعتصاب کارگران در مقابل دفتر شرکت آمدند. ابتدا صالحی شروع به تهدید کارگان به اخراج نمود و سپس تلاش کرد گروههای کاری کارگران را از هم جدا کند تا بتواند مجبورشان کند به سر کار بروند، اما کارگران مانع تفرقه اندازی شده و متحدانه پاسخ او را دادند و گفتند ما از این تهدیدات نمی ترسیم. صالحی که دید تهدید نگرقت، کوتاه آمد و گفت به هر نفر 200 هزار تومان مساعده می دهیم ولی باید به سر کارتان بروید، کارگران مجدداً به او اعتراض کردند و خواهان پرداخت فوری سه ماه حقوق خود شدند. ساعتی بعد صالحی به التماس افتاد و گفت ما با تهران تماس گرفته ایم قرار است از جانی 38 میلیون تومان قرض بگیریم تا یک ماه حقوق شما را پرداخت کنیم اما شما هم باید تعهد دهید که دیگر اعتصاب نکنید، اینبار کارگران جسورانه تر معترض شدند و گفتند ما شرط برای شما تعیین می کنیم! به شرطی ما یک ماه را از شما قبول می کنیم که تا روز دوشنبه یک ماه دیگر را پرداخت کنید و تعهد دهید که هیچ وقت بیشتر از یک ماه حقوق را به تعویق نیندازید. صالحی ناچار شد به خواست کارگران تن دهد و از ساعت 3 بعد از ظهر شروع به پرداخت یک ماه حقوق کرده و متعهد شد که روز دوشنبه حقوق یک ماه دیگر را بپردازد. امروز تا پایان روز کار تعطیل بوده است.

انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه به اراده قوی و متحدانه کارگران شرکت پرهون طرح درود می فرستد و از مبارزه آنان تا رسیدن به خواسته هایشان حمایت می کند. #

مهاباد، اقدام جنایتکارانه انفجار بمب

انفجار بمبی در 50 متری جایگاه مراسم نیروهای مسلح رژیم در سالگرد جنگ ایران و عراق، منجر به کشته شده 12 نفر و زخمی شدن 80 نفر شد. کشته شدگان اکثراً زن و کودک هستند. لازم به ذکر است، تلفات این حادثه در حال افزایش است و تاکنون هیچ گروه یا جریانی این بمب گذاری را به عهده نگرفته است. اسامی کشته شدگان این حادثه عبارت است از: معصومه محمدی، گلاویز محمدی، زرین محمدی، فاطمه غلامی، فاطمه عزیززی، زینب عباسیان، مهسا نصیری، پیمان ابراهیم زاده، آرزو پذیره، اعظم کرامت، زینب رحیمی، زهره داوری

روانسر

آیت کریمی، صالح کریمی، اکبر علامی، صابر محمدی و واحد رحمانی اهل روستای بنجله از توابع شهرستان روانسر توسط ماموران سپاه پاسداران بازداشت و به محل نامعلومی انتقال یافتند. بنا به شگردهای شناخته شده رژیم گویا اتهام این پنج نفر همکاری با احزاب اپوزیسیون بوده است.

سقز

درگیری مسلحانه افراد ناشناس با نیروهای رژیم چند کشته و زخمی به جای گذاشت از جمله کشته شدگان این حادثه کودک چهار ساله ای است به نام "متین ابراهیمی". همچنین با وقوع این درگیری شهر حالت غیر عادی به خود گرفته و نیروهای مسلح زیادی از طرف رژیم در شهر مستقر شده اند.

بوکان

با وجود گذشت 3 ماه، شرکت تعاونی شهر بوکان از پرداخت بهای گندم خریداری شده از کشاورزان روستاهای تابعه این شهر خودداری می ورزد. این مسئله همراه با افت محصول، وجود آفات گیاهی و کمبود آب در سال جاری، کشاورزان منطقه را با مشکلات زیادی مواجه کرده است.

اشنویه

"خالق منگورنژاد" از طرف دادگاه انقلاب اسلامی به هشت ماه زندان محکوم شد. اتهام این شهروند همکاری با احزاب اپوزیسیون رژیم بوده است. ایشان هم اکنون در زندان ارومیه به سر می برد.

مریوان

جنایات رژیم در نوار مرزی بدون وقفه ادامه دارد. اخبار حکایت از آن دارند که نیروهای رژیم در پاسگاه قلقله از توابع شهرستان مریوان، جوانی را به نام یادگار قادری به بهانه رسیدن به سن سربازی دستگیر و به پاسگاه مذکور می برند. بعد از سه روز جسد بی جان وی را به خانواده اش تحویل می دهند. نیروهای رژیم حتی حاضر به توضیح برای خانواده نامبرده نشده اند. خبری دیگر: "شورش خلیفه علی" یکی از همکاران رژیم توسط سه نفر ناشناس به رگیار گلوله بسته شد و در دم جان داد. وی اهل روستای سردوش از توابع شهرستان مریوان بوده و در منزل شخصی اش ترور شد.

سلماس

در این شهر نیز نیروهای رژیم جوان سربازی به نام ناصر عیسی زاده را به دلایل نامعلوم دستگیر کرده و بعد از دو روز جسد بی جان وی را به خانواده اش تحویل می دهند. طبق اخبار منتشر شده آثار شکنجه بر بدن نامبرده معلوم بوده است.

قروه

"افشین حسین پناهی" برادر زندانی سیاسی "انور حسین پناهی" دوباره از طرف نیروهای امنیتی رژیم بازداشت شد. از سال گذشته نامبرده چندین بار متوالی توسط نیروهای رژیم بازداشت شد. #

کارگران جهان متحد شوید

تماس با دبیر کمیته
کردستان
رحمان حسین زاده
تلفن:

0046739225969

ایمیل
husienzade_r@yahoo.
com

تماس با روابط عمومی
کمیته کردستان
سالار کرداری
تلفن:

0046700194503

Rawabet.omumi.k@gmail
l.com

نشریه اکتبر را
بخوانید، آنرا تکثیر و
بدست خوانندگان
برسانید، برای آن
مطلب و گزارش
تهیه کنید

اکتبر روز
دوشنبه هر دو
هفته یکبار
منتشر میشود

اعضا هیئت تحریریه
اکتبر:

سیف خدایاری، سلام
زیجی، ملکه عزتی،
رحمان حسین زاده،
علی مطهری، سالار
کرداری و رحمت
فاتحی

ایمیل تماس و ارسال
مطلب برای اکتبر:
S_zijji@yahoo.se

بینش تروریستی به وی نمی چسبد. این یک اتهام محض و کذائی است. اصل قضیه در این است که سردشت روزنامه نگار بود و به دلیل نوشتن مقالاتی در نقد بی عدالتی حاکم بر جامعه کردستان ترور گردید.

من بدینوسیله بعنوان برادر سردشت علنا نه تنها نتیجه این به اصطلاح تحقیق را رد میکنم، بلکه در نهایت انزجار این تلاش مذبوحانه را در جهت متهم کردن برادرم به تروریست و نیز القای اتهام همکاری با انصارالاسلام محکوم می نمایم. این ادعای بی اساس نه تنها آزار و شکنجه تا کنونی را توجیه می کند، بلکه بهانه ای جدید برای تعرض و دست درازی به امنیت و آسایش بقیه اعضای خانواده ام را فراهم میکند. لذا در این رابطه تمام آزادیخواهان و مدافعان حقوق انسان را فرامیخوانم که در مقابل این تهدید، ما را حمایت کنند.

من قبلا نیز نقطه نظراتم را در ارتباط با اولین اطلاعیه کمیسیون نامبرده بیان کرده بودم که چندین ادعای غیر واقعی و مبهم را در مورد پرونده پخش کرده بود. من به کرات اعلام کرده ام که این کمیسیون هیچ اقدامی در جهت تحقیق این پرونده انجام نداده و نخواهد کرد. این کمیسیون از یک نیروی امنیتی تشکیل شده که این جنایت با آگاهی و زیر دست خودشان انجام شده، لذا صلاحیت تحقیق و افشای آن را ندارد.

من همانطور که قبلا نیز در چند مورد درخواست کرده ام، مجددا این تقاضا را مطرح میکنم که لازم است کمیسیونی متخصص، صلاحیتدار و بیطرف این پرونده را بررسی کند، کمیسیونی متشکل از نمایندگان تشکلهای بین المللی، روزنامه نگاران و نمایندگان سازمانهای مترقی که در آن نمایندگی ما بعنوان خانواده سردشت جایگاه خود را خواهد داشت.

بکر عثمان (آرام علی) برادر سردشت عثمان

15-09-2010

اطلاعیه افشاگرانه بکر عثمان راجع
به گزارش "کمیسیون تحقیق" ترور
برادرش سردشت عثمان در اربیل
کردستان عراق!

بکر عثمان (آرام علی) برادر دانشجو و روزنامه نگار مقتول سردشت عثمان، با انتشار اطلاعیه و یک اقدام آگاهگرانه، گزارش کمیسیون تحقیق ترور برادرش سردشت را رد کرده و تلاش این کمیسیون را که در صدد است برادرش را تروریست قلمداد کند به استهزا میگیرد.

" چهار ماه قبل سردشت در تاریکی ترور
گردید، امروز به روشنی و آشکارا
شخصیت وی ترور میشود! "

امروز اطلاعیه کمیسیون تحقیق پرونده سردشت منتشر گردید که در آن داستان بی سر و ته چگونگی ترور برادرم سرهم بندی شده است که هیچ عقل سلیمی نمیتواند آنرا بپذیرد. در این اطلاعیه نه تنها پاسخی به دهها سوال و سؤال راجع به این جنایت بی پاسخ مانده است، بلکه به عمد، اتهام تروریست بودن و همکاری با انصارالاسلام را به سردشت نسبت می دهند.

در چند ماه اخیر پدر و مادرم به همراه بقیه اعضای خانواده در انتظار کسب خبر و آگاهی از انگیزه سرنوشت تراژیک ترور برادرم بودیم تا دلیل آن روشن شده و عاملین این جنایت را افشا نمایند، حادثه ایکه در کمال قساوت صورت گرفت که قبل از هر کس نور امید پدر و مادرم را به خاموشی کشاند. اکنون کمیسیون نامبرده با علم کردن اتهامی بی اساس زخم داغیدگی ما را مجددا می شکافد.

بر هر انسانی که سردشت را از دور یا نزدیک شناخته باشد یا چند سطر از نوشته های وی را خوانده باشد، روشن است که سردشت فردی محبوب و مدرن بود و با هیچ استدلالی اتهام

قابل توجه خوانندگان نشریه اکتبر:

به دلیل حضور دست اندرکاران نشریه در کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری حکمتیست که در روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر برگزار خواهد شد این شماره اکتبر چهار روز قبل از موعد مقرر خود منتشر شد.

به گارد آزادی به پیوندید زنده باد گارد آزادی